



انجمن علمی حقوق جزای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

Volume 4, Issue 1, 2026

# The Strategies and Obstacles to Cooperation of Countries in the Field of Asset Restitution Arising from Financial Crimes and Corruption from the Perspective of the Merida Convention and Domestic Law

Seyyed Yaser Sharifi\*<sup>1</sup>, Soodabeh Rezvani<sup>2</sup>, Razieh Saberi<sup>3</sup>

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Theology, Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Tehran Branch, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Faculty of Theology, Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 15-29**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** +980000000000

**Email:** s.rezvani@khu.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 22 Jul 2025

**Revised:** 01 Oct 2025

**Accepted:** 27 Nov 2025

**Published online:** 21 Mar 2026

**Keywords:**

*Asset Restitution, Direct Restitution, Seize without Criminal Condemnation, Financial Crimes.*

## ABSTRACT

The restitution of assets derived from financial crimes and corruption has been recognized in the United Nations Convention against Corruption (2003 - Merida) as one of the fundamental principles in the fight against corruption. Differences in legal systems, weak institutional coordination, and limitations arising from state sovereignty, etc., have created serious obstacles in the processes of identifying, tracing, freezing, and returning such assets. In addition, legislative gaps, protracted judicial proceedings, and the absence of effective mechanisms for cooperation between countries have significantly restricted the effectiveness of the international obligations set out in the Convention. This study has been conducted using a library-based and descriptive-analytical method. It seeks to answer the following questions: What are the main causes of the ineffectiveness of cooperation among states in the recovery of assets derived from financial crimes and corruption, and do effective legal provisions exist in the Iranian legal system regarding cooperation with other states in the field of asset recovery? The findings indicate that, despite the recognition of asset restitution as an international norm, numerous obstacles within national legal systems play a decisive role in the ineffectiveness of this process. In Iran's domestic law, only limited references have been made to crime and corruption prevention and the necessity of asset recovery. Nevertheless, with respect to cooperation with other states, there is no comprehensive and coherent set of regulations covering all aspects of the issue. Accordingly, in most international instruments and conventions, the methods of implementation and modalities of cooperation are referred back to domestic legal systems.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

**How to Cite This Article:** Sharifi, SY; Rezvani, S & Saberi, R (2026). "The Strategies and Obstacles to Cooperation of Countries in the Field of Asset Restitution Arising from Financial Crimes and Corruption from the Perspective of the Merida Convention and Domestic Law". *Journal of International Criminal Law*, 4(1): 15-29.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

## راهبردها و موانع همکاری کشورها در زمینه استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد از منظر کنوانسیون مریدا و حقوق داخلی

سیدياسر شریفی\*<sup>۱</sup>، سودابه رضوانی<sup>۲</sup>، راضیه صابری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۲۰۰۳ - مریدا) به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مبارزه با فساد مورد شناسایی قرار گرفته است. تفاوت نظام‌های حقوقی، ضعف هماهنگی نهادی و محدودیت‌های ناشی از حاکمیت دولت‌ها و ...، فرآیند شناسایی، ردیابی، توقیف و بازگشت اموال را با موانع جدی مواجه ساخته است. علاوه بر این، خلأهای تقنینی، اطاله دادرسی‌ها و فقدان سازوکارهای مؤثر همکاری کشورها، کارآمدی تعهدات بین‌المللی مندرج در کنوانسیون را محدود کرده‌اند. این تحقیق به‌صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. سؤالات تحقیق حاضر آن است که ناکارآمدی همکاری کشورها در زمینه استرداد دارایی‌ها منبعت از چیست؟ آیا مقرراتی درخصوص همکاری با سایر کشورها در زمینه استرداد دارایی‌ها در نظام حقوقی ایران وجود دارد؟ یافته‌ها حاکی از آن است که باوجود پذیرش اصل استرداد دارایی‌ها به‌عنوان هنجاری بین‌المللی، موانع متعدد در نظام حقوقی کشورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در ناکارآمدی این فرآیند ایفا کرده‌اند. در حقوق داخلی نیز به‌اهتمام در پیشگیری از وقوع جرم و فساد و ضرورت استرداد دارایی‌ها به‌صورت محدود اشاره گردیده است. با این وصف، درجهت همکاری با دیگر کشورها، مقررات جامعی که دربرگیرنده تمام موضوعات باشد، وجود ندارد. ازاین‌رو تقریباً در تمامی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، شیوه‌های اجرا و نحوه همکاری، به مقررات داخلی کشورها ارجاع گردید.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵-۲۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: s.rezvani@khu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

استرداد دارایی، استرداد مستقیم، مصادره بدون محکومیت کیفری، جرایم مالی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد در پرتو گسترش جرایم اقتصادی فراملی، به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام حقوق کیفری بین‌الملل مبدل شده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۲۰۰۳ - مریدا) با شناسایی «استرداد دارایی‌ها» به‌عنوان یک اصل بنیادین، کوشیده است چهارچوبی هماهنگ برای شناسایی، ردیابی، توقیف، ضبط و بازگرداندن عواید نامشروع فراهم آورد. با این حال، تحقق عملی این هدف مستلزم انطباق نظام حقوقی داخلی دولت‌ها با الزامات کنوانسیون بوده و همین امر، موانع و چالش‌های متعددی را در سطوح ملی و بین‌المللی پدید آورده است.

در بعد مفهومی و هنجاری، کنوانسیون تعهدات گسترده‌ای را در زمینه همکاری‌های قضایی، معاضدت حقوقی متقابل و تسهیل استرداد دارایی‌ها مقرر نموده است که در اسناد تفسیری کنوانسیون نیز بر انعطاف‌پذیری و حسن نیت دولت‌ها در اجرای این تعهدات تأکید شده است. باوجود این، ابهام در برخی مفاهیم کلیدی همچون «عواید حاصل از جرم»، «مالکیت مشروع» و «معیارهای ادله اثبات» سبب شده است دولت‌ها در تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون رویکردهای متفاوتی اتخاذ نمایند. این ناهمگونی تفسیری، به‌ویژه در موارد مربوط به فساد و مسؤولیت اشخاص حقوقی، تأثیر مستقیمی بر کارآمدی سازوکارهای استرداد دارایی‌ها گذاشته است. بررسی تطبیقی مقررات کنوانسیون با حقوق جزای ایران نشان می‌دهد، اگرچه اقداماتی درجهت هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی انجام شده است، اما همچنان خلأها و محدودیت‌های قابل توجهی وجود دارد. قانون مبارزه با پولشویی، با تمرکز بر شناسایی و ضبط عواید حاصل از جرم، گامی مثبت در راستای الزامات کنوانسیون محسوب می‌شود، اما قلمرو و سازوکارهای آن در عمل، پاسخگوی پیچیدگی‌های فساد فراملی نیست. افزون بر این، قانون راجع به استرداد مجرمین و طرق همکاری قضایی، عمدتاً بر استرداد اشخاص متمرکز بوده و مقررات صریح و کارآمدی درخصوص استرداد دارایی‌ها و اموال ناشی از جرم پیش‌بینی نکرده‌اند.

از منظر تطبیقی، تعارض و عدم انسجام میان مقررات کنوانسیون و حقوق ایران، به‌ویژه در زمینه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، تشریفات دادرسی، اصول حاکمیت دولت و حمایت از حقوق مالکیت، موجب شده است فرآیند استرداد دارایی‌ها با موانع جدی مواجه شود. همچنین اتکای گسترده به معاهدات دوجانبه و شرط عمل متقابل، دامنه همکاری‌های بین‌المللی را محدود کرده و تحقق اهداف عدالت‌محور کنوانسیون را در موارد متعدد با تأخیر یا ناکامی روبه‌رو ساخته است. از این منظر، تحلیل تطبیقی کنوانسیون، اسناد تفسیری آن و قوانین ایران، زمینه‌ای مناسب برای تبیین شکاف‌های تقنینی و ارائه راهکارهای اصلاحی فراهم می‌آورد.

بنابراین در این مقاله، تمرکز بر روی راهبردها و موانع همکاری کشورها در زمینه استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد می‌باشد. هدف، درک این موضوع است که اصل استرداد دارایی‌ها در کنوانسیون چگونه تبیین شده است و جایگاه آن در اسناد تفسیری کنوانسیون چیست؟ مهم‌ترین موانع و چالش‌های استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد کدامند؟ همچنین، این سؤال مطرح است که تا چه میزان مقررات داخلی ایران به‌ویژه قانون مبارزه با پولشویی و قانون راجع به استرداد مجرمین، با الزامات کنوانسیون هم‌سو هستند؟

## ۱- مفاهیم

## ۱-۱- مفهوم استرداد

استرداد از نظر لغوی با تشدید «رد» از مصدر باب استفعال گرفته شده است و به‌معنی رد کردن، بازگرداندن (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۴) و در فرهنگ فارسی نیز به‌معنای بازستاندن، واپس گرفتن، پس گرفتن، داده را واپس خواستن، بازپس خواستن آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در فرهنگ حقوقی آکسفورد به‌معنای بازگرداندن مال به مالک یا شخصی که استحقاق تصرف آن را دارد، ذکر شده است (دلیر، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

استرداد در مفهوم حقوقی را می‌توان از دو منظر حقوق مدنی و کیفری بررسی کرد. از نظر حقوق مدنی، به‌معنای بازگرداندن، مسترد کردن و اعاده اموال است. از این جهت، استرداد اموال به‌معنی درخواست و مطالبه موضوع مورد اختلاف که در اثر

کلاهبرداری، اختلاس، پولشویی، ارتشاء، فرار مالیاتی و جرایم ناشی از فساد شرکتی هستند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). همچنین جرایم مالی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مجرمانه اطلاق می‌شود که در جریان آن‌ها، اشخاص یا سازمان‌های جنایی با هدف تحصیل سود اقتصادی نامشروع اقدام می‌کنند. در این نوع جرایم، معمولاً مرتکب یا مرتکبان از منافع مالی قابل توجهی بهره‌مند می‌شوند، درحالی‌که بزه‌دیده، اعم از اشخاص حقیقی، حقوقی یا حتی جامعه، متحمل زیان و خسارت مالی می‌گردد. این ویژگی، یعنی تمرکز بر منفعت‌طلبی اقتصادی و انتقال نامتوازن ثروت، وجه تمایز اساسی جرایم مالی از بسیاری جرایم دیگر به‌شمار می‌آید (باقرزاده، ۱۳۹۲: ۳۲). به‌عبارت دیگر، جرایم مالی به رفتاری مجرمانه اطلاق می‌شود که معمولاً با هدف دستیابی به سود یا مزایای مالی انجام می‌گیرد و تأثیر بالقوه یا بالفعل آن، به اختلال در نظام اقتصادی شامل بخش‌های تولید، توزیع، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل و نقل، حقوق مصرف‌کننده و موارد مشابه می‌شود (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴).

### ۱-۳- مفهوم فساد

فساد در لغت در معانی «تباهی، پوسیدگی، تباه‌شدن، فتنه و آشوب، ظلم، لپو و لعب» آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۷۹۰).

قانون‌گذار ایران در بند «الف» ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۹۰ با اصلاحات بعدی)، فساد را این‌گونه تعریف کرده است: «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید، نظیر رشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی.»

اقدامات یا روابط حقوقی، نظیر اقاله، فسخ، ایفای ناروا و نظایر آن تحت عناوین مختلف، اعم از این‌که با مبانی قراردادی باشد یا قانون، به‌کار برده شده است (انوشه‌پور و شریفی، ۱۳۹۱: ۱۹).

از منظر حقوق کیفری، واژه استرداد در معنای بازگرداندن اموال و عواید ناشی از جرم و نیز بازگرداندن یا تحویل مرتکب جرم به مرجع قضایی کشور ذی‌صلاح آمده است.

در زبان‌های لاتین و فارسی برای عبارت استرداد، واژگان مختلفی به‌کار رفته است، اما در فصل پنجم کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۲۰۰۳ (مریدا) و دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای عبارت «استرداد دارایی» به‌کار رفته است که این واژه مبانی همکاری کشورها در زمینه مبارزه با جرم می‌باشد که در این تحقیق، همان معنای استرداد اموال یا دارایی است که به دو صورت قضایی و تقنینی انجام می‌گیرد.

### ۱-۲- مفهوم جرایم مالی

از نظر لغوی، واژه «جرم» به‌معنای گناه، خطا و بزه می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۴۰۸). واژه «مالی» نیز به‌معنای دارایی و آنچه در ملک شخص باشد، دلالت دارد (عمید، ۱۳۸۹: ۸۹۷). ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) در تعریف جرم مقرر داشته است: «هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

«جرایم مالی، جرایمی است که در آن‌ها تجاوز به مال افراد جامعه یا به اموال عمومی صورت گیرد، مانند سرقت، خیانت در امانت، حرق اموال دولتی که در اعتصابات پیش می‌آید» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۵۳۲/۲).

در مفهوم اصطلاحی و حقوقی، جرایم مالی به مجموعه‌ای از افعال یا ترک افعالی اطلاق می‌شود که با نقض مقررات کیفری و با انگیزه تحصیل منفعت نامشروع مالی، علیه نظم اقتصادی، مالکیت، اعتماد عمومی یا منابع مالی اشخاص و نهادها ارتکاب می‌یابد. این جرایم معمولاً بدون توسل مستقیم به خشونت فیزیکی و از طریق سوءاستفاده از سازوکارهای قانونی، اداری یا اقتصادی واقع می‌شوند و شامل مصادیقی همچون

جرایم مرتبط با حسابرسی، دلالی نفوذ توسط افراد متخصص» (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۳۵).<sup>۱</sup>

## ۲- جایگاه استرداد دارایی‌ها در کنوانسیون و اسناد تفسیری آن

استرداد دارایی‌ها در کنوانسیون به‌عنوان بنیادی‌ترین نهادهای این سند بین‌المللی تبیین شده است. کنوانسیون با اختصاص فصل پنجم (مواد ۵۱ الی ۵۹) به این موضوع، استرداد دارایی‌ها را نه صرفاً یک سازوکار تکمیلی همکاری قضایی، بلکه اصل اساسی و هدف غایی مبارزه با فساد معرفی نمود. مطابق ماده ۵۱ کنوانسیون، کشورهای عضو مکلف شدند همکاری‌ها و معاضدت‌ها در جهت استرداد دارایی‌های ناشی از فساد به کشور ذی‌حق را انجام دهند. کنوانسیون، استرداد دارایی‌ها را در قالب یک فرآیند مرحله‌ای و منسجم تبیین کرد که از شناسایی و ردیابی اموال آغاز شده و با ضبط و بازگرداندن آن‌ها خاتمه می‌یابد. این ساختار نشان می‌دهد که استرداد دارایی‌ها در کنوانسیون نه یک اقدام موردی، بلکه بخشی از سیاست جنایی هماهنگ بین‌المللی علیه فساد تلقی شده است.

جایگاه استرداد دارایی‌ها در اسناد تفسیری کنوانسیون، به‌ویژه گزارش‌های تفسیری و راهنماهای اجرایی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، با تأکید مضاعف تقویت گردید. این اسناد تصریح کردند که تعهد به استرداد دارایی‌ها ماهیتی فراتر از همکاری قضایی سنتی دارد و مستلزم همکاری نهادی، اداری و مالی میان دولت‌های عضو است. در این چهارچوب، محدودیت‌های ناشی از تفاوت نظام‌های حقوقی داخلی یا فقدان مقررات صریح داخلی، توجیحی برای عدم اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون تلقی نگردید. در اسناد تفسیری کنوانسیون، بر ضرورت هم‌سویی و اصلاح قوانین داخلی دولت‌ها تأکید شد، به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر ضبط اموال بدون محکومیت کیفری، شناسایی ذی‌نفع واقعی و تسهیل معاضدت قضایی متقابل. این رویکرد تفسیری نشان داد که هدف کنوانسیون، نهادینه‌سازی استرداد دارایی‌ها به‌عنوان یک قاعده الزام‌آور در حقوق بین‌الملل در جهت مبارزه با فساد بوده است، در نتیجه، استرداد دارایی‌ها در کنوانسیون و اسناد تفسیری

در نتیجه، تعریف فساد و مصادیق آن، بر فساد اداری و انواع آن و فساد شرکتی، ساری و جاری می‌باشد. «گونار میردال» معتقد است که فساد اداری به موارد گوناگونی از انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۱۵).

در تعریف اصطلاحی و حقوقی، فساد شرکتی به مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه یا شبه‌مجرمانه اطلاق می‌شود که توسط مدیران، کارکنان یا اشخاص وابسته به شرکت‌ها و با سوءاستفاده از موقعیت سازمانی، اختیارات اداری یا منابع اقتصادی شرکت ارتکاب می‌یابد. هدف این رفتارها معمولاً تحصیل منفعت نامشروع، پنهان‌سازی تخلفات مالی یا دورزدن مقررات قانونی است و می‌تواند سبب ورود زیان به سهامداران، بستن کارکنان و اقتصاد عمومی گردد (چقامیرزا، ۱۳۹۶: ۹).

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد نیز مجموعه گسترده‌ای از تدابیر مندرج در کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی را مورد توجه قرار داده و جرم‌انگاری و اعطای اختیارات تحقیق و تعقیب به دست اندرکاران مبارزه با فساد را الزامی می‌کند (آقایی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰).

علاوه بر رشوه‌دهی فعال و غیرفعال به مقامات رسمی داخلی و خارجی که در تمامی اسناد منطقه‌ای و نیز کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (پارمو) به‌عنوان مصداق فساد معرفی شده است، اعمال زیر نیز در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد به‌عنوان مصادیق فساد در نظر گرفته شده‌اند: «استفاده نادرست یا تضييع اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی توسط دارندگان مناصب عمومی، سوءاستفاده از سوی دارندگان مناصب عمومی و دولتی، اختفای عواید حاصل از ارتکاب فساد، سوءاستفاده از مسؤولیت با هدف انتفاع شخصی - ثروت اندوزی غیرقانونی به‌وسیله سوءاستفاده از مقام رسمی، استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یا مجرمانه با هدف انتفاع شخصی، تغییر کاربری و بهره‌برداری نادرست از اموال عمومی، کسب سودهای غیرمشروع، فساد (ارتشا و رشا) در بخش خصوصی، تظهير پول‌ها و عواید حاصل از فساد،

<sup>3</sup>- Beneficial Owner

<sup>1</sup>- Gunnar Myrdall

<sup>2</sup>- Travaux Preparatoires

برخی از راهبردهای نوین در زمینه استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد را تشریح خواهیم کرد.

### ۱-۳- راهبرد استرداد مستقیم

این روش مستلزم طرح دعوی حقوقی توسط زیان‌دیده از جرم در دادگاه‌های خارجی جهت اثبات عنوان مالکانه و یا مالکیت نسبت به مال مکتسبه از طریق یکی از جرایم مالی و فساد می‌باشد. ماده ۵۳ کنوانسیون اقداماتی برای استرداد مستقیم اموال پیش‌بینی کرده است.

در استرداد مستقیم، ابتدا محکومیت کیفری متهم محرز می‌شود و پس از آن یا هم‌زمان با اعلام این محکومیت، درخواست استرداد دارایی‌ها ارائه می‌گردد. علاوه بر این، در استرداد مستقیم، معمولاً شواهد و ادله کافی برای اثبات محکومیت کیفری متهم فراهم است. «استرداد مستقیم دارایی‌ها، می‌تواند به‌صورت داوطلبانه صورت پذیرد که به موجب توافقات شفاهی که از طریق آن، متهم با بازگرداندن داوطلبانه دارایی‌هایی که تحت قلمرو سرزمینی دادگاهی است که به دعوی استرداد او رسیدگی می‌کند، موافقت می‌کند» (Brun, 2011: 157). در این زمینه، مصادره اموال واقع در دولت خارجی به نفع زیان‌دیده از جرم می‌تواند به اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق منجر شود، به این صورت که چنانچه تبعه دولت درخواست‌کننده استرداد دارایی‌ها، در مواردی نظیر مسؤولیت مدنی، نقض قرارداد و داراشدن به ناحق متضرر شود و به‌منظور جبران خسارت، تقاضای اعاده به وضع سابق را از دولت خارجی که مال در قلمرو آن است یا از تبعه آن کند، درخواست وی را قبول کند و اموال به زیان‌دیده که مقیم دولت درخواست‌کننده نیز است، بازگردانده شود، هدف از استرداد دارایی‌ها به دولت درخواست‌کننده محقق خواهد شد (Klose, 2009: 54).

### ۲-۳- راهبرد استرداد غیرمستقیم

در این روش، برخلاف استرداد مستقیم که براساس ماده ۵۳ کنوانسیون انجام می‌شود و مستلزم طرح دعوی حقوقی توسط

آن ارتباطی میان عدالت کیفری، جبران خسارت و اعتماد عمومی در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی برقرار نمود. بنابراین دولت‌ها نمی‌توانند به بهانه تفاوت نظام‌های حقوقی داخلی یا فقدان قواعد صریح داخلی، از اجرای تعهدات مربوط به استرداد دارایی‌ها شانه خالی کنند. بر این اساس، اسناد مزبور بر ضرورت انطباق و اصلاح قوانین داخلی، به‌ویژه در حوزه ضبط بدون محکومیت، شناسایی ذی‌نفع واقعی و معاضدت قضایی متقابل، تأکید کرده‌اند. این تفسیرها نشان می‌دهد که کنوانسیون قصد داشته است استرداد دارایی‌ها را از سطح یک همکاری اختیاری فراتر برده و آن را به یک الگوی هنجاری الزام‌آور در حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد تبدیل نماید. در مجموع، کنوانسیون با اختصاص فصل مستقل به استرداد دارایی‌ها و پشتیبانی آن از طریق اسناد تفسیری، این نهاد را به‌عنوان پیوند میان عدالت کیفری، جبران خسارت و حاکمیت قانون معرفی کرده و آن را در مرکز سیاست جنایی بین‌المللی مبارزه با فساد قرار داده است.

### ۳- راهبردهای استرداد دارایی‌ها

در دهه‌های گذشته، توسعه طرق مختلف انتقال منافع و عواید ناشی از ارتکاب جرایم از کشورهای مبدأ به سایر کشورها سبب شده است تا دولت‌ها رویکردهای خود را در زمینه همکاری‌ها و استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد مورد بازنگری قرار دهند و شیوه‌های جدیدی را در این زمینه بررسی کنند. به‌عنوان مثال، دولت ایران درجهت همکاری در زمینه‌های مختلف، موافقت‌نامه‌هایی را با برخی کشورها منعقد کرده است که ناظر بر توقیف یا ضبط یا مصادره عواید و آلات جرم می‌باشد، ازجمله موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت ایران و دولت ارمنستان (مصوب ۱۳۸۷) و قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت ایران و دولت ترکمنستان (مصوب ۱۳۸۹). بر این اساس،

۱- «هر کشور عضو، براساس قانون داخلی خود: الف- اقدامات ضروری را به‌عمل خواهد آورد تا به کشور عضو دیگر امکان دهد دعوی مدنی را در دادگاه‌های خود مطرح نماید تا سند یا مالکیت اموال حاصل از طریق ارتکاب جرم احراز شده براساس این کنوانسیون را احراز نماید؛ ب- اقدامات لازم را اتخاذ نمود تا به دادگاه‌های خود امکان دهد به کسانی که جرایم احراز شده براساس این کنوانسیون را مرتکب شده‌اند، حکم کند غرامت یا خسارت

۱- «هر کشور عضو، براساس قانون داخلی خود: الف- اقدامات ضروری را به‌عمل خواهد آورد تا به کشور عضو دیگر امکان دهد دعوی مدنی را در دادگاه‌های خود مطرح نماید تا سند یا مالکیت اموال حاصل از طریق ارتکاب جرم احراز شده براساس این کنوانسیون را احراز نماید؛ ب- اقدامات لازم را اتخاذ نمود تا به دادگاه‌های خود امکان دهد به کسانی که جرایم احراز شده براساس این کنوانسیون را مرتکب شده‌اند، حکم کند غرامت یا خسارت

محکومیت کیفری و متعاقب آن، مصادره وجود دارد، باید پیش از هر چیز، از طریق محکومیت کیفری اقدام شود (Brun, 2011: 90). هدف این نوع مصادره، بازگرداندن دارایی‌های ناشی از فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته فراملی است. با این وجود، تفاوت اصلی این دو نوع مصادره در این است که نوع اول مستلزم دادرسی و صدور حکم محکومیت کیفری است، درحالی‌که نوع دوم صرفاً در مرحله رسیدگی قضایی قرار دارد (Brun, 2011: 90).

رویکرد دولت‌ها در به‌کارگیری هریک از این دو روش متفاوت است، به‌نحوی که برخی از آن‌ها ابتدا مصادره مبتنی بر محکومیت‌های قطعی کیفری را انتخاب می‌کنند و در صورت عدم تحقق نتیجه به مصادره‌های مبتنی بر محکومیت‌های غیرقطعی کیفری روی می‌آورند (کازرونی و مؤمنی راد، ۱۴۰۳: ۲۲۷۵).

عدم وجود مکانیزم مشخص برای مصادره غیر کیفری در حقوق ایران، از جمله معضلات بارز می‌باشد. به‌عنوان نمونه، ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶) مقرر داشته است: «اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد، قیمت آن با توافق طرفین و در صورت عدم توافق، توسط دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می‌شود. چنانچه محکوم به قابلیت تقویم نداشته باشد، محکوم‌له می‌تواند دعوای خسارت اقامه کند.» با این وجود می‌توان سازوکاری مانند «قرار اناطه کیفری» را به‌عنوان یک مکانیزم مشابه، تلفی کرد. ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) اشعار داشته است: «هرگاه احراز مجرمیت متهم مربوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت مرجع کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و صدور قرار اناطه، تعقیب متهم تا صدور رأی قطعی از مرجع صالح، معلق و پرونده به‌صورت موقت بایگانی می‌شود. در این حالت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد. مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»

۳-۳- راهبرد استرداد غیررسمی

زیان‌دیده از جرم در دادگاه‌های خارجی است، از طریق متفاوت برای دستیابی به این هدف استفاده می‌شود (Ivory, 2014: 370). استرداد دارایی‌ها تنها زمانی امکان‌پذیر است که قانون مقر دادگاه به دادگاه یا مقام صلاحیت دار اجازه دهد تا صلاحیت مرجع قضایی خارجی را درخصوص دعوای مصادره و استرداد قبول کند. این موضوع در شرایطی مطرح می‌شود که شخص متهم، خواه شخص حقیقی یا حقوقی در کشور محل وقوع دارایی‌ها اقامت داشته یا در آن به ثبت رسیده باشد یا در صورتی که بخشی از مراحل ارتکاب جرایم فساد مندرج در کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد در همان کشورها اتفاق افتاده باشد. برخلاف استرداد مستقیم که ابتدا محکومیت کیفری متهم محرز می‌شود و پس از آن یا هم‌زمان با اعلام این محکومیت درخواست استرداد دارایی‌ها ارائه می‌گردد، در مورد مصادره بدون محکومیت کیفری، اگرچه حتی ممکن است هم‌زمان با رسیدگی کیفری صورت پذیرد، اما هیچ ضرورتی به محکومیت کیفری مجرم وجود ندارد (کازرونی و مؤمنی راد، ۱۴۰۳: ۲۲۷۳).

استرداد غیرمستقیم که از طریق ماده ۵۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد، به دو شکل تقسیم می‌شود: استرداد مبتنی بر مصادره دارایی‌ها که نتیجه صدور حکم قطعی کیفری هستند و استرداد مبتنی بر مصادره دارایی‌ها که از صدور حکم قطعی ناشی نشده باشد (Klose, 2009: 56). روش نخست، یعنی مصادره مبتنی بر حکم قطعی کیفری، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یکی از جرایم منجر به فساد در فرآیند رسیدگی قضایی در دولت درخواست‌کننده مصادره اموال، بررسی و برای آن حکم قطعی صادر شده است. با این حال، دارایی‌های مربوط به جرم یا منافع حاصل از آن در خارج از کشور واقع شده است (OECD, 2010: 76). در برخی از نظام‌های حقوقی، زمانی مصادره اموال بدون محکومیت کیفری را مجاز می‌شمارند که رسیدگی‌های کیفری خاتمه یافته باشد یا بدون نتیجه باقی مانده باشد (کازرونی و مؤمنی راد، ۱۴۰۳: ۲۲۷۵-۲۲۷۴).

مصادره دارایی بدون محکومیت کیفری به هیچ‌عنوان جایگزین فرآیندهای کیفری یا مصادره دارایی‌ها پس از محکومیت کیفری نیست. بنابراین در مواردی که امکان احراز

به‌دست‌آمده از جرم را به آن کشورها انتقال دهند ( Brun, 2011: 122).

### ۲-۳-۳- اصل اختیارات کافی

توصیه‌نامه شماره FATF38، مقامات دولتی را ملزم می‌کند تا برای پاسخگویی سریع به درخواست‌های کشورهای خارجی و همکاری‌های مرتبط با مسدودسازی و مصادره دارایی‌ها، از اختیارات کافی برخوردار باشند. براساس این توصیه‌نامه، کشورهای عضو باید صندوقی برای مدیریت دارایی‌های مصادره‌شده در نظر بگیرند تا تمامی یا بخشی از این دارایی‌ها در راستای اجرای قوانین، بهبود سلامت، ارتقای آموزش و سایر اهداف عمومی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین طبق این توصیه‌نامه، اختیارات مقامات به‌ویژه در حوزه مسدودکردن و مصادره دارایی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است ( Walker & King, 2014: 64).

در ماده ۳۱ قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان (مصوب ۱۳۸۹) به اختیار دولت متعاقد درخواست‌شونده در زمینه توقف یا در اختیارداشتن موقت اموال مشمول توقیف یا مصادره اشاره گردید. همچنین در ماده ۳۹ این قانون، به همکاری و یاری‌رساندن طرفین متعاقد به یکدیگر در زمینه کشف، ضبط و مصادره و منافع غیرقانونی حاصل از ارتکاب جرم تأکید گردید.

### ۳-۳-۳- اصل واقع‌گرایی

کنوانسیون مریدا به‌عنوان مهم‌ترین چهارچوب بین‌المللی در زمینه بازپس‌گیری دارایی‌های ناشی از جرایم فساد شناخته می‌شود. با این حال، اقدامات مرتبط با این حوزه نه‌تنها در سطح سازمان ملل متحد، بلکه در نهادهای خارج از این سازمان نیز پیگیری شده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به اجلاس گروه ۲۰ در سؤال اشاره کرد که در آن «برنامه اقدام ضدفساد گروه بیست» برای (سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۱) به تصویب رسانید. در این اجلاس، سران کشورهای عضو تصمیم گرفتند رویکردی مشترک برای ایجاد یک نظام جهانی مؤثر در مبارزه

این راهبرد بر کاهش تشریفات رسمی در استرداد دارایی‌ها متمرکز بوده و به مقامات ذی‌صلاح امکان می‌دهد تا از طریق شبکه‌های ارتباطی مستقیم با یکدیگر در تعامل باشد. با این وصف، روند شناسایی دارایی‌ها و عواید ناشی از جرایم مالی و فساد در کشورهای مختلف با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌شود.

باتوجه به سند اصول نه‌گانه کلیدی استرداد دارایی‌ها، علاوه‌بر اصل سرعت و اصل اختیارات کافی، اصول دیگری نیز شامل اصل اولویت، اصل اقدامات پیشگیرانه، اصل گزینه‌های متعدد، اصل ترغیب و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی، اصل تخصصی‌بودن، اصل همکاری شبکه‌های غیررسمی بین‌المللی استرداد دارایی‌ها و اصل معاضدت فنی به کشورهای در حال توسعه وجود دارند (کازرونی و مؤمنی راد، ۱۴۰۳: ۲۲۷۶) که بررسی و تشریح تمامی این اصول در این مقاله ممکن نیست، لذا به سه مورد از اصول اساسی در این خصوص ذیلاً پرداخته خواهد شد.

### ۱-۳-۳- اصل سرعت

اصل سرعت در سند «اصول نه‌گانه کلیدی استرداد دارایی‌ها» توسط کارگروه ضدفساد گروه ۲۰ ذکر شده است. این موضوع نشان می‌دهد، در مواردی که مسأله‌ای پیرامون استرداد دارایی‌ها مطرح می‌شود و مجرم به انتقال دارایی‌های حاصل از جرم به خارج از سرزمین دولتی که جرم در آن رخ داده اقدام کرده است، لازم است مقامات انتظامی، امنیتی و قضایی فوراً سازوکارهای همکاری‌های بین‌المللی را به‌صورت فعال آغاز کنند و اطمینان حاصل کنند که تمامی مراحل رسیدگی به پرونده‌ها با سرعت و کارآمدی پیش می‌رود.

در بسیاری مواقع، تأخیر در شروع روند ردیابی و جمع‌آوری شواهد مرتبط با بازگرداندن دارایی‌ها تا پیش از صدور حکم قطعی قضایی، مجرمان فساد را قادر می‌سازد که با سوءاستفاده از اصل محرمانگی بانکی و نبود همکاری‌های بین‌المللی میان برخی کشورها، به‌دلیل ملاحظات سیاسی، دارایی‌های

<sup>1</sup>- The G-20 Anti-Corruption Action Plan

موافقت‌نامه‌های چندجانبه که دولت‌های عضو به‌منظور تسهیل همکاری‌های بیشتر به توافق درخصوص تسهیم اموال و عواید ناشی از جرم تشویق شده‌اند، نمی‌توان این کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های چندجانبه را برای پاسخگویی به همه نیازهای کشورها کافی دانست، لذا اکثر کشورها، موافقت‌نامه‌هایی را به این منظور در امور کیفری منعقد کرده‌اند که تسهیم اموال به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و بنیادین پیش‌بینی شده است، نظیر موافقت‌نامه دوجانبه بین دولت‌های ایالات متحده آمریکا و هلند در زمینه تقسیم دارایی و همکاری در مصادره عواید مربوط به مواد مخدر.

در برخی از مقررات داخلی نیز توصیه به انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و همکاری‌های بین‌المللی شده است. با تجویز ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن و در راستای اجرای تبصره ۱ ماده ۴۳ این قانون، قانون‌گذار به نیروی انتظامی اجازه حمل و تحویل تحت نظارت با مأمورین دیگر کشورها را داده است. در ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی حمل یا محموله تحت کنترل موضوع ماده ۴۳ قانون مذکور (مصوب ۱۳۹۳ ستاد مبارزه با مواد مخدر) مقرر شده است: «نیروی انتظامی به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران درخصوص نحوه تقسیم عواید و اموال ناشی از اجرای طرح عملیاتی با کشورهای خارجی ذی‌ربط براساس موافقت‌نامه‌های موجود اقدام خواهد نمود.»

#### ۴- موانع

در مواقعی که جرمی در قلمرو حاکمیت سرزمینی کشوری ارتکاب می‌یابد یا اموال و عواید ناشی از جرم به خارج از قلمرو حاکمیت کشور محل وقوع جرم انتقال داده می‌شود، همکاری بین‌المللی دولت‌ها در زمینه مبارزه با جرم، استرداد اموال و عواید ناشی از جرم و ... امری است اجتناب‌ناپذیر و ضروری. برای نیل به این همکاری، موانع و چالش‌های عدیده‌ای وجود دارند که انجام همکاری و دستیابی به نتیجه را مشکل و بعضاً غیرممکن می‌سازد. با این حال، کشورها درصورت حصول اطمینان و توجیه منطقی و با احترام به اصل حاکمیت قانون و فرآیندهای عدالت کیفری، حاضر به همکاری با یکدیگر

با فساد اتخاذ کنند. بر این اساس، مقرر شد دولت‌های عضو برنامه ملی مبارزه با فساد را شامل پذیرش و اجرای مجموعه‌ای اسناد مرتبط تدوین و اجرا کنند (Rewizorski, 2014: 102).

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ برای کمک به کشورها در زمینه همکاری‌های قضایی در امور کیفری، (قانون نمونه) را تهیه و تنظیم نمود تا درجهت مبارزه با جرایم (به‌ویژه جرایم مالی و فساد اداری)، قوانین مناسبی را وضع نمایند.

#### ۴-۳- تسهیم اموال و عواید ناشی از جرم

تسهیم اموال و عواید ناشی از جرم در اصطلاح حقوقی به این معنی است که دولت‌ها در توافق‌نامه‌ها و معاهدات دوجانبه مقرر می‌دارند که در قبال انجام همکاری برای استرداد دارایی ناشی از جرم، اموال مذکور را به‌صورت عادلانه تقسیم کنند (UNODC, 2015: 29).

هدف اصلی از پذیرش تقسیم اموال ناشی از جرم، ایجاد انگیزه جهت مشارکت دولت‌ها و سازمان‌های مجری قانون در روند تعقیب جرم و همکاری برای استرداد اموال ناشی از جرم می‌باشد. در واقع سهم تخصیص‌یافته سبب می‌شود که دولت‌ها و سازمان‌های مجری قانون، فعالانه در روند بازجویی‌ها و عملیات مبارزه با جرم مشارکت کنند (مدینگر، ۱۳۸۷: ۱۵۹). همچنین تسهیل همکاری بین‌المللی به‌منظور امکان پاسخگویی سریع به درخواست‌های کشورهای دیگر جهت بازگرداندن دارایی‌ها به کشور محل وقوع جرم یکی دیگر از اهداف مهم تقسیم دارایی‌های ناشی از جرم به شمار می‌آید (عباسی، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

با این وجود، اهداف مذکور را می‌توان زمینه‌ساز تسهیم اموال و عواید ناشی از جرم برای انجام همکاری بین کشورها دانست که از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی برخی کشورها شکل گرفته است. علاوه بر تصویب برخی از کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد، از قبیل کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹ - واشنگتن) و کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰ - پالرمو) و دیگر

ایجاد این واحد به‌عنوان مسوول دریافت، تجزیه و تحلیل و نشر گزارشات مربوط به معاملات مالی مظنون، به مقامات صلاحیت دار را مورد بررسی قرار خواهند داد.

با این وجود، به‌دلیل عدم تصویب FATF و این‌که این گروه، کشور ما را در عداد «کشورهای با ریسک بالا مشمول اقدام» قرار داده است، ارتباطات بانکی و اقدامات فوری در جهت شناسایی حساب‌ها و ردیابی عملیات‌های بانکی، مسدود کردن حساب‌ها و توقیف دارایی‌ها غیرممکن شده یا با تأخیر زیادی صورت می‌گیرد. موضوعی که می‌تواند از مواد جواز امتناع معاضدت قضایی متقابل در مقررات ارزی و بانکی تلقی گردد و در تضاد با بند ۸ ماده ۴۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد باشد. «کشورهای عضو بنا به دلایل رازداری بانکی از ارائه معاضدت قضایی متقابل به موجب این ماده، امتناع نخواهند ورزید.»

#### ۴-۲- موانع عمومی

برقراری ارتباط بین کشورها به‌دلیل تفاوت زبان‌ها و به‌کارگیری الفاظ و عبارات ممکن است سبب بروز تفسیرهای مختلف گردد. بنابراین مقامات ذی‌صلاح از طریق زبان مشترک می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و خواسته‌های دولت خود را مطالبه نمایند. از آنجایی که کشورهای مختلف دارای زبان‌های متفاوتی هستند، به‌ویژه زبانی که موضوع همکاری مرتبط به چند کشور باشد و هریک دارای زبان مخصوص خود باشد، این امر فی‌نفسه مانعی برای انجام همکاری محسوب می‌شود (UNOCD, 2010: 1). با این حال، از یک‌سو، برقراری ارتباط هم‌زمان آن‌ها با یکدیگر بسیار دشوار است و از سوی دیگر، مقامات رسمی مجاز نیستند هر نوع ارتباط با هر نوع زبانی را برقرار کنند و حتی در صورت مجاز بودن بعضاً مشکلات ترجمه و درک متقابل از مفاهیم و خواسته نیز بسیار دشوار است. ترجمه حرفه‌ای به این دلیل که در یک زبان ممکن است نتوان واژه معادل که دارای معنای مشترک در دو زبان است، انتخاب کرد، در نتیجه از واژه‌ها و عبارات درک درستی نشده و با انتخاب واژگان جایگزین از معنای متن اصلی درک

درجهت مقابله با جرم و استرداد اموال و عواید ناشی از آن می‌باشد.

باوجود این ضرورت، در اجرای این همکاری، موانع و چالش‌هایی وجود دارد که بسته به تفاوت و قوانین، آداب و رسوم فرهنگی، هزینه‌های توقیف و استرداد اموال و ... موجب تأخیر در انجام کار و بعضاً عدم همکاری خواهد شد. آن‌چه حائز اهمیت است، آن‌که موفقیت در استرداد مستلزم توجه هم‌زمان به رفع تمامی موانع بوده و تمرکز در یکی از آن‌ها نمی‌تواند در تحقق هدف مؤثر باشد.

#### ۴-۱- موانع فنی

در بحث همکاری‌های قضایی، فرآیند پنج‌گانه نسبت به منافع ناشی از جرم، یعنی شناسایی، ردیابی، مسدود کردن، ضبط یا مصادره و بازگرداندن اموال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در بسیاری از مواقع به‌ویژه مواقعی که این دارایی‌ها به‌صورت سهام، وجوه نقد یا در حساب‌های بانکی انتقال داده شود و یا از طریق پولشویی فرآیندی برای قطع ارتباط از جرم منشأ انجام شود، قبول درخواست همکاری منوط به انجام یک کادر فنی است. اساساً به‌دلیل همین مشکلات پیچیده و فنی بود که گروه ویژه اقدام مالی<sup>۱</sup> ایجاد شده است (رودگر کوهپر و رضوی فرد، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

ایجاد گروه ویژه اقدام مالی و تکلیف کشورها به تأسیس واحد اطلاعات مالی درجهت فراهم‌شدن امکان همکاری قضایی در مسائل فنی برای شناسایی و توقیف اموال ناشی از جرم از طریق گروه اگمونت گامی مؤثر بوده است تا آنجا که دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، به قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و دیگر اشخاص مرتبط در روند تأسیس واحد اطلاعات مالی مساعدت فنی نموده و امکان مبارزه با پولشویی و حمایت مالی تروریسم را فراهم کرده است. اهمیت ایجاد واحد اطلاعات مالی از آن جهت است که در ماده ۵۸ کنوانسیون، کشورهای عضو درجهت جلوگیری و مبارزه با انتقال عواید ناشی از جرایم احراز شده و ارتقای روش‌های بازگرداندن چنین عوایدی با یکدیگر همکاری خواهند نمود و

<sup>3</sup>- Egmont Group

<sup>1</sup>- FATF: Financial Action Task Force

<sup>2</sup>- FIU: Financial Intelligence Unit

نمایندگان دیپلماتیک و بعضاً نمایندگان کنسولی مادامی که در سمت خود هستند، اشاره کرد که در صورت ارتکاب جرم نمی‌توان آن‌ها را تحت تعقیب قضایی قرار داد و یا اموال حاصل از جرم توسط آن‌ها را از کشور دیگر بازگرداند، مصونیتی که به موجب قانون به آن‌ها اعطا گردیده است.

از دیگر موانع سیاسی می‌توان به تعارض این همکاری با حاکمیت، امنیت و نظم عمومی کشورها اشاره کرد. موضوعی که می‌توان از بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون استنباط کرد که در آن به انجام تعهدات توسط کشورهای عضو براساس این کنوانسیون، طبق اصول حاکمیت برابر و تمامیت ارضی کشورها و عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها اشاره دارد. به عنوان نمونه، بند «ب» ماده ۳ موافقت‌نامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امارات (مصوب ۱۳۸۹)، مقرر داشته است: «در صورتی که درخواست با حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا اصول اساسی طرف درخواست‌شونده منافات داشته باشد، درخواست همکاری رد خواهد شد.» همچنین ماده ۱۶ موافقت‌نامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت ایران و دولت ترکمنستان (مصوب ۱۳۸۹) در خصوص انجام معاضدت قضایی، در صورتی که سبب لطمه به حاکمیت و امنیت کشور شود، درخواست همکاری را مورد پذیرش قرار نخواهد داد.

در بخش مبارزه با فساد، استرداد دارایی‌ها بیش از آن که نگرانی کشورهای توسعه‌یافته باشد، دغدغه کشورهای قربانی و کشورهای در حال توسعه است. این اموال معمولاً به کشورهای توسعه‌یافته منتقل شده و از عوامل رشد و ترقی اقتصادی آن‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین منطقی است که دولت‌های توسعه‌یافته تمایل چندانی به همکاری در این زمینه نداشته باشند. بالعکس، دولت‌هایی همچون دولت ما به علت حجم عظیمی از عوایدی که از کشور خارج می‌شود، تلاش می‌کنند این دارایی‌ها به کشور بازگردانده شوند (صادقی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۷).

#### ۴-۴- موانع حقوقی

وجود کشورهای دارای نظام حقوقی نوشته، کامن‌لا و یا تلفیقی ممکن است همکاری با طرف مقابل را غیرممکن و یا مشکل نماید و تأثیر این ساختارهای حقوقی متفاوت در قانون‌گذاری،

متفاوتی صورت بگیرد (Stephenson et al, 2011: 88-89). با این وصف، تفاوت زبان‌ها (با وجود حدود ۶۸۰۰ زبان مختلف در سراسر جهان - بدون گویش و لهجه) برای مجریان قانون در برخی کشورها، یکی از موانع عمومی همکاری بین‌المللی کشورها محسوب می‌شود.

همچنین همکاری کشورها در جهت توقیف و استرداد دارایی‌های ناشی از جرم مستلزم وجود اطلاعات کافی از مقررات کشورهای طرف همکاری می‌باشد که به دلیل اختلاف قوانین کشورها، عدم اطلاعات در خصوص مقررات مربوط به همکاری کشورها یکی دیگر از چالش‌های عمومی به شمار می‌آید تا آنجا که انجام همکاری در این زمینه دارای مراحل مختلف و فرآیند طولانی است که به قوانین و مقررات داخلی کشورها مرتبط بوده و صرفاً در قالب یک مجموعه جامع نمی‌گنجد و در دسترس متخصصان و مجریان قانون قرار ندارد.

به نظر می‌رسد تعارض منافع مادی بین کشورها را می‌توان یکی دیگر از موانع عمومی در زمینه همکاری کشورها تلقی کرد. اموال و عواید ناشی از جرم نه تنها به لحاظ مالی، بلکه به عنوان یک سرمایه برای آن کشور محسوب خواهد شد، لذا زمانی که کشور درخواست‌کننده، متقاضی بازپس‌گیری این اموال و عواید می‌شود، کشور دارنده آن ممکن است از کف‌دادن این اموال را سبب کاهش درآمد دانسته و چنین شرایطی می‌تواند باعث تشدید اختلاف‌ها و پیچیدگی تشریفات مربوطه گردد.

#### ۳-۴- موانع سیاسی

اتخاذ سیاست خارجی هر کشور با مقامات ذی‌صلاح سیاسی است که در این خصوص باید منافع ملی و مصلحت را در تصمیمات سیاسی خود مد نظر قرار دهند، لذا اجرای همکاری بین کشورها در زمینه استرداد دارایی‌ها نیز تحت تأثیر این تصمیمات سیاسی خواهد بود. بنابراین برای این همکاری‌های قضایی به‌ویژه توقیف و استرداد اموال ناشی از جرم باید در هر دو کشور درخواست‌کننده و درخواست‌شونده همکاری، عزم و اراده سیاسی باشد (آقامحمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۱)، در غیر این صورت این امر مانع همکاری خواهد شد، از جمله این موارد می‌توان به مصونیت سیاسی برخی از مقامات خارجی، از جمله

استرداد اموال و عواید ناشی از جرم، آیا کشورها اساساً احکام و دستورات قضات دادگاه‌های کشورهای دیگر را اجرا می‌کنند؟ به‌عنوان نمونه، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران (مصوب ۱۳۵۶) در زمینه اجرای احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی، شرایطی را در جهت اجرا در دادگاه‌های ایران پیش‌بینی کرده است که اجرای چنین احکامی از کشورهای خارجی با وجود جمیع شرایط مقرر در این ماده در دادگاه‌های ذی‌صلاح ایران با پیچیدگی‌هایی همراه خواهد بود.

همچنین عدم وجود موافقت‌نامه‌های همکاری دوجانبه را می‌توان در عداد یکی‌دیگر از موانع حقوقی قرار داد، موضوعی که از بند «د» ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد (مصوب ۱۳۹۰ با اصلاحات بعدی) قابل استخراج است: «**قوه قضاییه موظف است ظرف مدت سه سال، لوائح معاضدت قضایی با اولویت کشورهای مهم طرف قرارداد تجاری با جمهوری اسلامی ایران تهیه و جهت طی اقدام لازم قانونی به دولت ارسال نماید...**». همچنین تصریح کرده است که قراردادهای دوجانبه باید حسب مورد حداقل شامل یکی از موضوعات استرداد متهمان و مجرمان فساد مالی، استرداد اموال و دارایی‌های نامشروع و حاصل از اقدامات مجرمانه و تبادل اطلاعات درباره موارد اثبات شده یا در حال پیگیری در مورد مفاسد مالی باشند.

با وجود چنین تصریح قانونی، فقدان موافقت‌نامه‌های مؤثر و اختصاصی در حوزه استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم فساد، همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع حقوقی تحقق بازگشت دارایی‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران باقی مانده و فاصله میان ظرفیت‌های داخلی و الزامات حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد را آشکار ساخته است (نظری‌نژاد و اسفندیاری‌فر، ۱۳۹۵: ۲۰۳).

### نتیجه‌گیری

استرداد دارایی‌های ناشی از جرایم مالی و فساد از منظر کنوانسیون نشان داد، اگرچه کنوانسیون در فصل پنجم (استرداد اموال) را به‌عنوان یک اصل بنیادین و الزام‌آور برای دول عضو شناسایی کرده است، اما تحقق عملی آن وابسته به سازگاری نظام‌های حقوق داخلی با الزامات کنوانسیون می‌باشد. تحلیل

تفسیر قوانین و صلاحیت و ...، از جمله موانع و چالش‌های حقوقی محسوب می‌شوند که همکاری کشورها در زمینه استرداد دارایی‌ها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند کرد.

بسیاری از کشورها (به‌ویژه کشورهای عضو کنوانسیون) برای پذیرش درخواست همکاری موضوع کنوانسیون، جرم‌انگاری موضوع مورد درخواست در هر دو کشور درخواست‌کننده و درخواست‌شونده را شرط می‌دانند، لذا تفاوت در اختلاف قوانین کشورها، مانعی برای همکاری تلقی می‌گردد، هرچند تمام کشورها، جرم‌انگاری متقابل را شرط نمی‌دانند. همچنین در زمینه مصادره مدنی (غیرکیفری)، نظام حقوقی انگلستان، آن را پذیرفته است و درخواست همکاری برای توقیف، ضبط، مصادره و اجرای موضوع دارای جنبه مدنی را در مواردی استثنایی، مورد اجابت قرار داده است، اما در برخی از کشورها به‌دلیل عدم وجود مقرر قانونی در این خصوص، درخواست همکاری پذیرفته نمی‌شود.

در نظام حقوقی ایران، مقرر قانونی که به تعریف و شناسایی «دعوی حقوقی بازگرداندن اموال» ارتباط داشته باشد، وجود ندارد، اما می‌توان علاوه بر مبانی فقهی و اصول کلی حقوقی، اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را یکی از ظرفیت‌های کلیدی برای تحقق این چنین دعوایی به‌شمار آورد که براساس این اصل، دولت موظف است ثروت‌های ناشی از فعالیت‌های غیرمشروع (نظیر رشوه، اختلاس، ربا و ...) را به‌دست آورده و حسب مورد به صاحب حق یا بیت‌المال رد نماید.

از دیگر چالش‌های حقوقی می‌توان به اختلاف دولت‌ها در تشخیص صلاحیت اشاره کرد، موضوعی که در ماده ۴۲ کنوانسیون به آن توجه شده است که براساس آن، اتخاذ اقدامات مقتضی توسط هر کشور عضو در جهت اعمال صلاحیت قضایی خود بر جرایم احرازشده براساس این کنوانسیون را معین کرده است تا از این طریق در زمینه همکاری‌های بین‌المللی بین کشورهای این کنوانسیون خلی وارد نشود. با این وجود، دادگاه‌های داخلی به‌دلیل حاکمیت‌های مستقل در روابط کشورها، صلاحیت کشور متبوع خود را اعمال می‌کنند. همچنین در فرض قطعیت حکم دادگاه صالح در

اسلامی ایران به کنوانسیون، تحقق عملی اصل استرداد دارایی‌ها، مستلزم بازنگری و تکمیل مقررات داخلی، تدوین مقررات خاص در حوزه استرداد دارایی‌ها و تقویت همکاری‌های قضایی و نهادی بین‌المللی می‌باشد. همگرایی نظام حقوق داخلی با رویکرد مرحله‌ای و کارکردمحور کنوانسیون می‌تواند زمینه تحقق مؤثرتر عدالت ترمیمی و بازگرداندن منافع و عواید نامشروع به دولت‌ها و بزه‌دیدگان واقعی را فراهم سازد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- افضل‌ی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۵): ۲۶۴-۲۳۵.

- انوشه‌پور، مسعود و شریفی، مهدی (۱۳۹۱). *استرداد اموال از درخواست تا مصداق*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.

- ایمانی، عباس (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری*. تهران: نشر آریان.

- آقامحمدی، منصور (۱۳۹۳). *زمینه و چالش‌های همکاری بین‌المللی برای بازگرداندن اموال ناشی از فساد*. مجموعه

متن کنوانسیون و اسناد تفسیری مرتبط، بیانگر آن است که استرداد دارایی نه صرفاً یک اقدام قضایی نهایی، بلکه فرآیندی مرحله‌ای شامل شناسایی، ردیابی، توقیف، ضبط و بازگرداندن دارایی‌هاست که مستلزم همکاری نهادی گسترده و هماهنگ میان دولت‌هاست. یافته‌ها نشان داد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای مؤثر استرداد دارایی‌ها، شکاف میان رویکرد نوین کنوانسیون با ساختار سنتی حقوق کیفری در بسیاری از نظام‌های داخلی، از جمله ایران بوده است، درحالی‌که کنوانسیون، استرداد دارایی‌ها را مستقل از استرداد اشخاص و حتی در مواردی بدون صدور حکم محکومیت کیفری مجاز می‌داند، قوانین ایران عمدتاً بر الگوی کلاسیک تعقیب کیفری و محکومیت مبتنی هستند. قانون راجع به استرداد مجرمین، با تمرکز بر تحویل اشخاص، مفهومی مستقل از استرداد دارایی‌ها ارائه نکرده و پاسخگوی الزامات مندرج در فصل پنجم کنوانسیون نبوده است.

از سوی دیگر، قانون مبارزه با پولشویی، با این‌که ظرفیت‌هایی در زمینه شناسایی، مسدودسازی و ضبط عواید حاصل از جرم ایجاد کرده است، اما نقش آن در فرآیند استرداد دارایی‌ها ماهیتی غیرمستقیم و داخلی دارد. این قانون سازوکار روشنی برای بازگرداندن دارایی‌های حاصل از جرایم مالی و فساد به دولت‌های متضرر خارجی پیش‌بینی نکرده و در عمل، صرفاً بخشی از زنجیره استرداد دارایی‌ها را که در کنوانسیون مد نظر بوده، پوشش داده است. این محدودیت سبب شده است که کارکرد قانون مزبور در چهارچوب همکاری بین‌المللی کیفری ناقص باقی بماند. همچنین بررسی معاهدات دوجانبه ایران نشان داد که این اسناد غالباً ناظر بر استرداد مجرمین یا همکاری قضایی کلاسیک بوده و کمتر به‌طور مستقل به استرداد اموال نامشروع پرداخته‌اند.

فقدان مقررات صریح درخصوص تفکیک استرداد دارایی از استرداد اشخاص، عدم پیش‌بینی مصادره بدون محکومیت کیفری و پیچیدگی‌های ناشی از تشریفات دادرسی داخلی، صلاحیت، تفاوت زبان‌ها و ... از جمله موانع مهمی بوده‌اند که اجرای مؤثر تعهدات بین‌المللی ایران در چهارچوب کنوانسیون را با چالش مواجه ساخته‌اند. در مجموع، باوجود الحاق جمهوری

- مقالات کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، دستاوردها و چالش‌ها، تهران: انتشارات میزان.
- مقالات کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، دستاوردها و چالش‌ها، تهران: انتشارات میزان.
- آقای، رضا (۱۳۸۶). «مقایسه تطبیقی کنوانسیون‌های بین‌المللی». نشریه راهبر، ۱۵: ۲۰-۲۱.
- باقرزاده، احد (۱۳۹۲). *جرایم اقتصادی و پولشویی (در پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین‌المللی)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرایم اقتصادی*. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- چقامیرزا، سونیا (۱۳۹۶). *پیشگیری از فساد مالی در قراردادهای اداری*. تهران: انتشارات قانون یار.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *فرهنگ لغات اصطلاحات فقهی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- دلیر، حمید (۱۳۹۰). *حقوق مصادره*. تهران: انتشارات میزان.
- رودگر کوهپر، عطاءالله و رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۸). «تسهیم اموال، راهبرد نوین همکاری کشورها در زمینه استرداد اموال و عواید ناشی از جرم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۳(۱۰۶): ۱۴۱-۱۲۱.
- صادقی، ولی‌الله و حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۹). «ناهم‌سویی‌های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۸(۲۹): ۸۶-۶۷.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عباسی، اصغر (۱۳۹۳). *حقوق کیفری اقتصادی: پولشویی (مبارزه با پولشویی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران)*. تهران: انتشارات میزان.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات شهرزاد.
- کازرونی، سیدمصطفی و مؤمنی راد، احمد (۱۴۰۳). «راهبردهای جدید در زمینه استرداد دارایی‌های ناشی از فساد در حقوق بین‌الملل؛ ظرفیت‌ها و موانع بهره‌مندی در ایران». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۴(۴): ۲۲۹۰-۲۲۶۹.
- مدینگر، جان (۱۳۸۷). *پولشویی، راهنمایی برای محققان جنایی*. ترجمه سروش بهریز، تهران: نشر کارآگاه.
- نظری‌نژاد، محمدرضا و اسفندیاری‌فر، خشایار (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد». *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۷(۱): ۲۱۵-۱۹۱.

#### ب. منابع انگلیسی

- Brun, J; Sotiropoulou, A; Gary, L; Scott, C & Stephenson, K (2011). "Asset Recovery Handbook: A Guide for Practitioners World Bank Publications".
- Ivory, R (2014). *Corruption Asset Recovery and the Protection of Property in public International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stephenson KM; Gray, L & Power, R (2011). *Barriers to Asset Recovery: An Analysis of the Key Barriers and Recommendations for Action*. Washigton DC: ATAR.
- Klose, BH (2009). *Asset Tracing & Recovery: The Fraud Net World Compendium*. Berlin: Erich Schmidt Verlag GmbH & Co KG.
- OECD, Asian Development Bank (2010). *ADB/OECD Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific Asset Recovery and Mutual Legal Assistance in Asia and the Pacific*. OECD Publishing.
- Rewizorski, M (2014). *From Washington to St. Petersburg: Development of the G20 as a New Centre of Global Governance*. Berlin: Logos Verlag Berlin.
- UNOCD (2010). *Asean Handbook: On International Legal Cooperation in Trafficking in Persons Cases*. Association of Southeast Asian

*Nations*. New York: United Nations Office on Drugs and Crime.

- UNODC (2015). *Digest of Asset Recovery cases*. New York: United Nations Office on Drugs and Crime.

- Walker, C & King, C (2014). *Dirty Assest: Emerging Issies in the Regulation of Criminal and Terrorist Assets*. Farnham: Ashgate Publishing, Ltd.